

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خلافت؛ تنها طریقه شرعی و راه ریشه کن نمودن نفوذ کفار استعمارگر از سرزمین های ما

(ترجمه)

چگونه مسلمانان برای رفع نزاعها و مشکلات شان به دشمن متوسل می شوند؛ درحالی که این وحی عظیم (قرآن) در میان شان است؟! اسلام برای رفع نزاعها، درگیری های و معالجه مشکلات توانمند بوده و از برجسته ترین خوبی هایش اینست که این معالجات در روی همین زمین یافت می شود که عبارتند از:

اول: دیدگاه اسلام نسبت به کفار مبنی بر این که آنان دشمن این امت هستند، الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنَّ الْكٰفِرِیْنَ كٰنُوْا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِیْنًا﴾ [نساء: 101]

ترجمه: دشمنی کفار نسبت به شما کاملاً آشکار است.

بدیهی است که دشمن برایت هیچ خیری را نخواسته؛ بلکه برای نابودیت با استفاده از ابزار گوناگون سعی و تلاش می کند.

دوم: الله سبحانه و تعالی مؤمنان را دستور داده که از وی باید اطاعت نموده و مشکلات و درگیری های شان را برای معالجه تنها نزد وی و رسولش پیشکش کنند، نه نزد غیرشان. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اطِيعُوْا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْا الرَّسُوْلَ وَاُوْلِی الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنٰزَعْتُمْ فِیْ شَیْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلٰی اللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ ذٰلِكَ خَیْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِیْلًا﴾ [نساء: 59]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از الله (با پیروی از قرآن) و از پیامبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حَقِّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به الله (با عرضه به قرآن) و پیامبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید؛ چرا که الله قرآن را نازل و پیامبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به الله و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است.

ای مسلمانان! شما شاهد هستید که چه حوادث و اتفاقاتی در سرزمین های مان از جمله در معراج گاه رسول الله بوقوع می پیوندد و حوادثی که در عراق، افغانستان، یمن و لیبیا رخ می دهد، از دیدتان پنهان نیست. از جنگ خانه مانسوز که در سودان جریان دارد، نیز مطلع هستید؛ جنگی که منبع شر و فساد، یعنی امریکا برای حفظ منافع خود شعله ور ساخته که در طی در آن، بسیاری از مردم سودان به بدترین اشکال جان خود را از دست داده و از خانه های شان آواره شدند، به آبرو و عزت شان بی حرمتی شده و اموال شان سلب و خانه های شان متلاشی گشته است. این همه بلاها و مصائب به دستان فرزندان خودشان تحمیل گشته است. آیا غیر از اینست که آن ها با جهان به بهانه جستجوی راه حل نیرنگ بازی می کنند! گاهی در جده تحت نظارت امریکا، گاهی در ایتوبی تحت

نظارت انگلیس و سپس در مصر به دستور امریکا و مجدداً در جده، کنفرانس‌ها و تحلیل‌ها ارائه می‌نمایند؛ اما با وجود این همه هنوز ندانسته‌اند که آن‌ها از یک سایه به سایه تاریک‌تری منتقل می‌شوند. زبان حال شان گویای اینست که آن‌ها به راه‌حل و نجات امید داشته، اما راه آن را نمی‌پیمایند، بسان امید داشتن به حرکت کشتی در خشکه. آن‌ها از راه نجات فاصله گرفته و با دین شان به مخالفت پرداخته‌اند و بر مصداق این قول الله سبحانه و تعالی نفاق دامن‌گیر شده است:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [نساء: 60]

ترجمه: (ای پیامبر!) آیا تعجب نمی‌کنی از کسانی که می‌گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق کتاب‌های آسمانی، به هنگام اختلاف) می‌خواهند داور را به پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم الله بپذیرند؟! و حال آن‌که بدیشان فرمان داده شده است که (به الله ایمان داشته و) به طاغوت ایمان نداشته باشند. شیطان می‌خواهد که ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر) کند. هرکس که در غیر اسلام راه‌حل می‌جوید، بدون شک که گمراه شده، از راه راست منحرف گشته و جویای حکم جاهلیت است:

﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [مائده: 50]

ترجمه: آیا (آن فاسقان از پذیرش حکم تو بر طبق آنچه الله ل نازل کرده است، سرپیچی می‌کنند و) جویای حکم جاهلیت (ناشی از هوی و هوس) هستند؟ آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از الله حکم می‌کند؟
سوم: اسلام میان امور و مسائل یکبارگی به صراحت حکم کرده که اگر مسئله‌ای حق باشد، ثابتش می‌گرداند و اگر باطل باشد نابودش می‌کند و چیز دیگری غیر از حق و باطل در میان نمی‌نماید. در هر صورتی باید از حق پیروی شود، خواه مخالف هوای نفس باشد و خواه سبب خشمگینی مردم. بنابر این، در اسلام برعکس عقیده کپیتالیزم چیزی به نام حل وسط وجود ندارد که همگی راضی شوند. مسلمانان باید بدنبال رضایت پروردگارشان باشند، چنان که رسول الله در این باره فرموده‌اند:

«مَنْ التَّمَسَّ رِضَاَ اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَارْضَى النَّاسَ عَنْهُ، وَمَنْ التَّمَسَّ رِضَاَ النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ، سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَاسْخَطَ عَلَيْهِ النَّاسُ»

ترجمه: هرکس بدنبال رضایت الله در عوض خشمگینی مردم باشد؛ الله از وی راضی شده و مردم را نیز از وی خشنود می‌گرداند و هر کسی که در عوض رضایت الله بدنبال رضایت مردم باشد و الله را خشمگین کند، الله بر وی خشم کرده و مردم را از وی ناراض می‌گرداند.

لذا، اسلام به مثل این راه‌حل‌های معیوب که غرب استعمارگر کافر را از خود راضی می‌سازد، قناعت نکرده و راضی نمی‌شود.

چهارم: اسلام حاکمیت و سلطه کفار بر مسلمانان و هم‌چنان پناه بردن به آن‌ها برای همکاری در معالجه مشکلات را حرام گردانیده است. الله سبحانه و تعالی امرگونه به صیغه خبر چنین گفته است:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: 141]

ترجمه: و (مادام که مؤمنان دارای ایمان راستین و کردار شایسته و بایسته باشند) هرگز الله کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.

و هم چنین این قول وی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ [نساء:

[144]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان به دوستی نگیرید؛ مگر می‌خواهید حجت و برهان آشکاری علیه خود به دست الله دهید (بر این که شما هم جزو منافقانید؟).

صحابه بزرگوار این مسئله را خود فهمیده بودند، مخصوصاً بعد از آن که متوجه تفرقه‌اندازی میان مسلمانان از سوی دشمنان الله (یهود) شدند که عملکرد شاس ابن قیس یکی از این نمونه‌هاست. وی روزی از روزها بر یکی از مجالس انصار گذشت و دید که آنان یکدیگر را دوست داشته و مسرور هستند و الفت و محبت آن‌ها را کنار هم جمع کرده است. دل وی با دیدن این ثمره وحدت شان از خشم و حسادت شعله‌ور گردید و یکی از جوانان یهود را تحریک کرد تا در میان شان داخل شود و برایش دستور داد که اشعار جنگ بعثت را بسراید. جنگ بعثت؛ آخرین جنگی بود که میان اوس و خزرج قبل از اسلام رخ و کشتار بزرگی میان شان واقع شده بود. این جوان یهودی عملاً در میان شان رفت و شروع به سراییدن اشعار این روز جاهلیت کرد، کینه‌ها و عداوت‌ها را بر انگیخت و مصیبت‌ها را یادآور شد و دو جوان از اوس و خزرج برخاسته و به گفتگوی و فخرفروشی پرداخته و به زدن یکدیگر شروع کردند و هر قبیله از جوان خود حمایت کرد و یکدیگر را به تازیانه‌ها و کفش‌ها زدند؛ سپس دست به سلاح بردند تا در بیرون از مدینه بجنگند، همه این‌ها در ظرف چند دقیقه رخ داد. رسول الله با جمعی از مهاجرین به نزد ایشان آمدند و در میان شان مانع شده و به آرام کردن شان پرداخته و رسالت اسلام، برادری و وحدت مسلمانان را برای شان یادآور شده و برای شان گفتند: شما را چه شده است که مثل زمان جاهلیت به دعوا پرداخته‌اید، این بسیار کار زشتی است؛ سپس هردو گروه به خود برگشته و باهم صلح کرده و یکدیگر را به آغوش گرفتند و به سبب این دعوای شان به گریه پرداختند.

مثال شاس بن قیس یک مثال همیشگی و دائم الحضور در زندگی مسلمانان بوده، تقریباً هیچ عصری از آن خالی نیست و این مثال یکی از لوازم فیصله میان حق و باطل بوده و نمونه تحریک‌آمیز بر جنگ، تفرقه‌اندازی بین صفوف و کشت اختلاف و دشمنی میان صفوف بوده و در طول تاریخ به اشکال گوناگونی تبارز می‌کند.

پنجم: مسلمانان از زمان سقوط خلافت شان تاکنون در زندگی شان طعم آرامش را نچشیده‌اند. بلی، از همان زمانی که در خلافت و امامت شان کوتاهی کردند؛ همان خلافت و امامتی که احکام اسلام را بالای شان تطبیق و آنان را رهبری می‌کرد تا این دین شان را بسوی کافه‌ی مردم حمل و آن‌ها را از تاریکی‌ها بسوی روشنائی بیرون آورند. هرکس راه حل موفقی را می‌خواهد، برایش می‌گوییم که طبق گفته رسول الله صلاح این می‌باشد: عرباض این ساریه گوید: رسول الله روزی از روزها برای ما نماز صبح را امامت دادند

و سپس بسوی مان رو کرده و یک نصیحت بلیغ و شیوا نمودند که اشک از چشمان سرازیر و دل‌ها هراسان گردید. یکی از میان جمع گفت: گویا این، نصیحت خداحافظی است؛ پس سفارش مان کن! رسول الله فرمودند:

«أوصيكم بتقوى الله، و السمع و الطاعة، و إن كان عبداً حبشياً، فإنه من يعش منكم بعدي فسيرى اختلافاً كثيراً، فعليكم بسنتي و سنة الخلفاء المهديين الراشدين، تمسكوا بها و عضوا عليها بالنواجذ، و إياكم و محدثات الأمور، فإن كلُّ مُحدثة بدعة و كل بدعة ضلالة» (راه أبو داود)

ترجمه: شما را به تقوای الهی، شنیدن و اطاعت کردن از اولی الامر تان سفارش می‌کنم، هرچند که یک غلام حبشی سیاه پوست باشد. هرکس از شما بعد از من زنده بماند و عمرش تداوم یابد؛ به زودی اختلافات زیادی را می‌بیند، پس بر شما لازم است که به سنت من و سنت خلفاء هدایت شده و هدایت‌گر تمسک ورزیده و با دندان‌های نواجذ خود آن‌ها را حفاظت نمائید و از امور جدید در دین پرهیز کنید، زیرا هر چیز جدیدی در دین بدعت بوده و هر بدعتی گمراهی است.

یقیناً که نبوت راست گفت و اوضاع بسیار تغییر و اختلافات زیادی نمودار گشت؛ پس آیا ما آماده هستیم که خلافت راشده را با دندان‌های نواجذ خود بگیریم؟!

بنابر این، سنت رسول الله بسان آفتاب در میان آسمان واضح بوده و إقامه خلافت بر منهج نبوت تنها راه حل و معالج این همه مشکلات است، که در آن مردم بر مردی از خود بر کتاب الله و سنت رسولش که اسلام را کاملاً تطبیق، آن را به همه جهانیان رسانده و دست این کفار استعمارگر را از سرزمین‌های مان کوتاه می‌کند بیعت می‌کنند. علاوه بر آن، با آن‌ها در سرزمین خود شان می‌جنگیم تا آنان نیز حاملان حق شوند و فلاح دین و آخرت بستگی به این دارد.

پس شما را برای این امر فراخوانده و این فرض را یادآور تان می‌شویم؛ پس با قدرت وارد میدان شده و به این کار بشتابید و برای الله سبحانه و تعالی از خود خیری نشان دهید.

نویسنده: استاد میسره یحیی - ولایه سودان (شهر قضارف)

مترجم: محمد مزمل

برگرفته از شماره 456 جریده الرایه